عقب‌ماندگی از فناوری سینمایی دنیا

گرچـه طی دو دهه اخیر صنعت سـینمای ایران مجهز به فناوری‌های روز دنیا شـده، اما هنوز با دانش و تکنولوژی روز دنیا فاصله زیادی دارد یا از فرسـودگی تجهیزات سـینمایی رنج می‌برد. این یک واقعیت اسـت که سـینمای ایران فاصله چشـمگیری با سـینمای روز دنیا چه به لحـاظ دانش فنی و چه به لحاظ ابزارهای فنی، فاصله بسـیار چشـمگیری دارد. گروهی از سـینماگران پیشکسوت عمدتاً از کرختی و غروری برخوردارند که یادگاری در دوران موسـپیدی و به‌روزرسـانی دانش‌شـان را بـا حضـور در کلاس‌هـای بین‌المللی خلاف شـأن تلقـی می‌کننـد و بدین‌ترتیب با داشـته‌های تکنیکی پیشین‌شـان فیلم می‌سـازند. نسـل جوان نیز عمدتاً امکان اسـتفاده از دانش روز و تحصیل در مراکز سینمایی آمریکا که حتی نسـبت به سطح فیلمسازی کشـورهایی چون انگلیس نیز فاصله محسوسی دارد را ندارد. در حوزه تکنولوژی نیز اگر تکنولوژی را محدود به دوربین، لنز، نور و صدا بدانیم، وضعیت سـینمای ایران بد نیست؛ اما اگر قرار باشد درباره ربات‌هایی کـه نقـش فیلمبـردار را در پروژه‌هـای بزرگ ایفـا می‌کنند، سـخن بگوییم و از دقت و جزئیات فیلمبـرداری با تکنولوژی روز سـخنی به میان بیاید، حرفی برای گفتن نداریم. توسـعه فناوری دیجیتال البته امکان فیلمسـازی را نسبت به گذشته آسان‌تر کرده اما به دلیل گران‌بودن این تجهیزات، وارد کردن یا خرید آنها به‌راحتی ممکن نیست و هزینه هنگفتی دارد.

عدم تناسب منابع با نیازها

واقعیـت این اسـت کـه همه نهادها و مسـئولان ارشـد و چهره‌های تأثیرگذار از سـینمای ایران و سینماگران کشورمان توقـع تولید آثـار دارای ارزش‌هـای ملی و مذهبـی نظیر آثار دفـاع مقدس، تاریخـی و مذهبـی دارند. ازقضـا این جنس تولیدات در نظام تولید گران‌ترین‌هاسـت و برای تولید هریک از آنها باید سـرمایه سنگینی انجام داد؛ بنابراین اگر قرار است این مطالبات از سـینماگران عملیاتی شـود، دسـت‌کم باید یک‌درصد سـرفصل فرهنگی بودجه عمومی کشور برای تولید در سـینما اختصاص یابد. جالب اینکه بسـیاری از معضلاتی که در اینجا به‌عنوان ابرچالش‌های سـینمای ایـران از آن نام می‌بریم یک سـرش به اقتصاد و کمبود منابع مالی در سینما وصل می‌شـود و این نشـان می‌دهـد که در جهـان امروز که گفتمان اقتصاد فرهنگ حاکم اسـت، بدون تقویت بنیادهای اقتصـادی نمی‌توان به اعتلای فرهنگ و هنر ازجمله توسـعه سـینما اندیشید. واقعیت این اسـت که گیشه سینما صرفاً به جیب و مال مردم مرتبط نیسـت، به حـال آن‌ها هم ربط دارد. ازاین‌حیث مسئله مالی سینما صرفاً یک امر اقتصادی نیست و عوامل و مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی هم، گیشه‌های سینما را دچار قبض و بسـط مالی می‌کند. وقتـی پدیده‌ای در ذیل اقتصاد فرهنگ قرار می‌گیرد، این تنها شاخص‌های سرمایه‌ای نیسـتند که شـرایط اقتصادی آن را تعییـن می‌کنند. اوضاع روحی حاکم بر جامعه به‌ویژه در بزنگاه‌های ملتهب تاریخی نیز بر آن تاثیر می‌گذارد. این تاثیرگذاری البته در موازنه دوسـویه رخ می‌دهـد. بـه همان انـدازه‌ای که رخدادهـای اجتماعی می‌تواننـد در افزایـش میل بـه تماشـای فیلم تاثیـر بگذارد، می‌تواند منجر به کاهش میل به تماشـای فیلم شده و اقتصاد آن را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. در چند سال اخیر دو بحران طبیعی و اجتماعی، سـینمای ایران را تا آستانه ورشکستگی کشـاند؛ یکی پاندمی کرونا و دیگری اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی. دو عامل برون‌متنی که بـا چالش‌های درون‌متنی سـینما مثل بحران مخاطب که پیش‌ازاین وجود داشـت، گره خورد و سینما را در تراژیک‌ترین نقطه تاریخی خود قرار داد.

ممیزی و سانسور

همانطور که در سطور بالا هم اشاره شد یکی از ابرچالش‌های سینمای ایران که همواره با آن درگیر بوده‌ایم، مسئله سانسور و ممیزی اسـت. ممیزی در سینمای ایران دارای خطوط قرمزی اسـت که بسـته به زمـان، مکان، اشـخاص، حـدود و ثغورش دستخوش تغییرات محسوسی است. برخی فیلمسازان همواره کارت بلانش دارند و تقریباً سـراغ هر سوژه‌ای بروند، می‌توانند اثرشـان را بسـازند اما گروهی دیگر حتی تـوان تأیید گرفتن برای نام مطلوب فیلم‌شان را هم ندارند. این ممیزی دردسرساز و بی‌قاعده قطعاً یکی از دردسـرهای بزرگ سینمای ایران است که باید برایش فکری کرد و تا زمانی که دارای چارچوب و ضوابط یکسان برای عموم فیلمسازان نشـود، شرایط سینمای ایران با تغییر معناداری مواجه نخواهد شد. اغلب نامزدهای انتخاباتی این روزها بر ضرورت و لزوم آزادی‌بیان در کشـور حرف می‌زنند. یکی از مصادیق و شاخص‌های سنجش آزادی‌بیان، نسبت آن با کیفیت نظارت، ارزیابی و بالطبع سطح ممیزی در آن است. اگر سینمای ایران قرار است تصویری متکثر از اندیشه‌های گوناگون باشد و بتواند به‌عنوان یک هنر اثرگذار نقش‌آفرینی داشته باشد یکـی از راهکارها، فضای آزاد برای تولید خلاقانـه و نوآورانه در عرصه تولید آثار هنری ازجمله تولید فیلم است.

سایه سنگین سیاست بر سینما

مدیریت سـینمای کشـور بیش از آن‌که ساختاری فرهنگی داشـته باشد زیر سـایه سیاسـت قرار دارد و از حیات مستقل و ذات‌مداری برخوردار نیسـت. سوگیری‌های سیاسی جناحی، فقـدان اطلاعات کافـی و صحیح در حوزه فرهنگ و شـناخت و تصویر غلط از سـینما در برخی از مدیران سـینمایی موجب شـده تا افسار سیاسـت‌گذاری سـینمایی به جای فرهنگ در دستان سیاست بیفتد و درنتیجه هویت فرهنگی سینما در پس بازی‌های سیاسـی مخدوش شـود. عدم حمایت‌های مالی از سـینماگران، کمبود وضعیت نامناسب سینماهای کشور، خط قرمزهای پررنگ برای فیلمنامه‌ها و توقیف فیلم‌های سینمایی بخشـی از عملکرد سینما در سال‌های اخیر است که نتیجه آن وضعیت ورشکستگی و بحران‌زده کنونی سینماست. متاسفانه سیاسـت‌زدگی یا سیاست‌سـالاری در سـینما و هنر مسـتلزم فضایـی آزاد بـرای تجربه‌های تـازه از لایه‌هـای عمیق جامعه انسـانی اسـت تا بتواند به دور از پیش‌فرض‌های کلیشـه‌ای و تحمیلی به بازنمایی واقعیت بپردازد. سینمای ایران در وضعیت کنونـی بیش از آن‌کـه نیازمنـد حمایت‌های دولتی باشـد که هست، محتاج فرهنگ‌سازی و تثبیت کنش فیلم دیدن به‌عنوان بخشی از بازیابی حقیقت و نهادینه کردن در زیست جهان خود است. سـطحی‌نگری در بدنه مخاطبان سینمای ما آزاردهنده اسـت. سـینمای امروز ایران از وضعیت تاریخی ـ اجتماعی آن جدا نیسـت؛ پارادوکس‌های رفتاری چالش سنت و مدرنیسم. تضادهای بنیادین فکری و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در هنر هفتم نیز اثر خود را گذاشـته است، از همین روست که زبان سینمای ایران دچار لکنت شده و حتی از بیان درد خویش هم عاجز است. این بحران زمانی تشدید می‌شود که سینما راه خویش را از طریق ضرورت هنری‌اش پیدا نکند و دیگران خارج از متن آن با حاشیه‌های غیرفرهنگی بخواهند آن را به راه راست هدایت کنند. هرچه تصدی‌گری دولت بر سـینما کمتر شـود و سـینما به دست خود سینماگران سـپرده شود، شاهد رشد و شکوفایی بیشتری در این زمینه خواهیم بود.

سینمایی که به تحول مدیریتی نیاز دارد

اگـر بخواهیـم گلوگاه اصلی مشـکلات سـینمای ایـران را شناسایی کنیم، باید بگوییم عمده چالش و مشکل سینمای ایران در مقطع کنونی مدیریتی اسـت و بازتـاب این بحران را می‌توان در سـطوح مختلف سینمای ایران دید. ازآن‌جمله تنزل کیفی و خلاقانه آثار سـینمایی به‌ویژه در عرصه کمدی را هم می‌توان از همین منظر دید. بی‌توجهی مدیریت دولتی و خصوصی و نظام صنفی ما به اقتصاد سـینما عملاً کار را به اینجا رسـانده است و اسـتمرار این وضعیـت وضع را بدتر هم خواهد کـرد. عمده آثار سـینمایی ایران محصول شرکت‌ها، نهادها و افراد تک‌محصولی اسـت. فقدان تنـوع در آثار شـرکت‌های فیلم‌سـازی و پرهیز از ریسـک و محافظه‌کاری مفرط صاحبان سرمایه و تهیه‌کننده‌ها دست‌به‌دسـت هم می‌دهند تا تولیدکننده‌ها اعم از شـرکت‌ها، نهادهـا و افـراد به فکر بیشـترین انتفاع مالی باشـند؛ بنابراین مسیرهای تجربه‌شده و کم‌وبیش جواب گرفته را دنبال می‌کنند. عملاً با این رویکرد و مشـی تولید آثار سینمایی به قهقرا می‌رود. سینمای ما توانایی تولید سـازمان‌یافته را ندارد و در این سال‌ها سینمای ما نتوانسته است صنعتی شود، همچنین کمپانی‌های بزرگ فیلمسـازی شـکل نگرفتند تا این کمپانی‌هـا بتوانند در زمینه‌های مختلف سـرمایه‌گذاری و تولیـد اثر کنند و مبتنی بر استانداردهای جهانی آنها را دسته‌بندی و عرضه کنند. همچنین رانت‌های اقتصادی دولتی به جریان‌های خاص در سینما و ورود پول‌ها و سـرمایه‌های مشکوک هم از دیگر چالش‌هایی است که اقتصاد سـینمای ما را تهدید می‌کند و عملاً مانع از شکل‌گیری یک نظام اقتصادی شـفاف و سودده در سینمای ایران می‌شود. تعلل نهادهای صنفی سـینمایی و بی‌اعتنایی نهادهای دولتی در برخورد با رانت و سـرمایه‌گذاری‌های مشـکوک، نظم و نظام اقتصادی سـینما را در هم ریخته است و بیش از این‌که وضعیت کنونی صدمه‌های جبران‌ناپذیری را به اقتصاد سـینمای ما وارد کند، سـینمای ما به‌مثابـه یکی از مهمتریـن عرصه‌های تولید فرهنگ بـه تحول در مدیریـت فرهنگی و هنری نیـاز دارد تا از استحکام به استقلال برسد.

عمده چالش و مشکل سینمای ایران در مقطع کنونی مدیریتی است و بازتاب این بحران را می‌توان در سطوح مختلف سینمای ایران دید. ازآن‌جمله تنزل کیفی و خلاقانه آثار سینمایی به‌ویژه در عرصه کمدی را هم می‌توان از همین منظر دید. بی‌توجهی مدیریت دولتی و خصوصی و نظام صنفی ما به اقتصاد سینما عملاً کار را به اینجا رسانده است و استمرار این وضعیت وضع را بدتر هم خواهد کرد

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود پلاک ۱۵۷۹-اصلی تاکنون صورت نپذیرفته و ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی درآن به مساحت ۹۶/۹۳ مترمربع که شماره ۱۵۷۹/۱ به آن اختصاص یافته است، واقع در بخش ده تهران مورد تقاضای آقای محمود داودآبادی فراهانی فرزند ابوالفضل شماره شناسنامه ۹۴۷ کدملی ۰۵۳۰۷۴۹۹۳۹ تاکنون به عمل نیامده و عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نبوده است. لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ روز یکشنبه ساعت ۱۲ ظهر در محل وقوع ملک شروع و به عمل خواهد آمد. بدین وسیله به اطلاع مجاورین پلاک ثبتی موصوف می‌رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند. چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارتفاقی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت مصوب ۲۵/۳/۷۳ مجلس محترم شورای اسلامی ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایید. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷
(توضیح اینکه تاریخ قید شده فقط مربوط به انتشار آگهی می‌باشد) تاریخ تحدید: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

م الف: ۱۱۳۵۳

محمدعلی ابراهیمی - کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک خاوران تهران

تصمیم واحد ثبتی پلاک ۱۷۴۳/۴۶۷۸ بخش ۷ تهران

ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۷۴۳ فرعی از ۴۶۷۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، قطعه در طبقه و واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۹۰/۲۶ مترمربع به حدود شمالا: به طول (۱۴/۰۰) چهارده متر به شماره دو هزار و پانصد و سی و دو فرعی از چهارهزار و ششصد و هفتاد و هشت اصلی شرقا: به طول (۶/۷۰) شش متر و هفتاد سانتی‌متر به خ به عرض ده متر جنوبا: به طول (۱۳/۹۲) سیزده متر و نود و دو سانتی‌متر به شماره یک هزار و هفتصد و بیست و هشت فرعی غربا: به طول (۶/۷۰) شش متر و هفتاد سانتی‌متر به شماره یک هزار و هفتصد و نوزده فرعی مشخصات مالکیت: مالکیت حمیدرضا شهرام / شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۱۳۴۰ تاریخ تولد ۱۳۴۳/۰۶/۳۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۳۸۶۷۳۷۵ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک دو سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان به استثنا یک‌چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سیدفاطمه پاکباز ثابت‌طلب ورثه محمدرضا مقدم‌شیرین‌کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۷۹۶۶ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۲۰۲ ثبت گردیده است. مالکیت محمود شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۹۴۳ تاریخ تولد ۱۳۳۲/۰۸/۰۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۱۰۷۷۳۸۵ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک دو سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان به استثنا یک‌چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سید فاطمه پاکباز ثابت‌طلب ورثه محمدرضا مقدم شیرین کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۷۹۶۳ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۱۹۸ ثبت گردیده است. مالکیت مریم شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۳۶۴ تاریخ تولد ۱۳۲۷/۰۹/۲۸ صادره از رشت دارای شماره ملی ۲۵۹۳۱۶۵۱۸۹ با جز سهم ۱ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک یک سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان به استثنا یک چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سید فاطمه پاکباز ثابت‌طلب ورثه محمدرضا مقدم شیرین کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۷۹۶۲ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۱۹۵ ثبت گردیده است. مالکیت مجید شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۸۶۸ تاریخ تولد ۱۳۳۴/۰۶/۱۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۳۹۱۸۷۶۲۴ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک دو سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان به اشتنا یک چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سید فاطمه پاکباز ثابت طلب ورثه محمدرضا مقدم شیرین کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۸۳۸۱ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۳۲۶ ثبت گردیده است. مالکیت منوچهر شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۲۹۲ تاریخ تولد ۱۳۲۴/۰۵/۲۴ صادره از رشت دارای شماره ملی ۲۵۹۳۱۴۱۹۴۸ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک دو سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان باستثنا یک چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سید فاطمه پاکباز ثابت طلب ورثه محمدرضا مقدم شرین کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۷۹۶۵ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۲۰۱ ثبت گردیده است. مالکیت مسعود شهلاوی فرزند حسن شماره شناسنامه ۶۶۹ تاریخ تولد ۱۳۲۵/۰۹/۲۷ صادره از رشت دارای شماره ملی ۲۵۹۳۱۵۲۲۵۷ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۱ به عنوان مالک دو سهم مشاع از یازده سهم عرصه و اعیان باستثنا یک چهارم بهای ثمنیه عرصه و اعیان خانم سید فاطمه پاکباز ثابت طلب ورثه محمدرضا مقدم شیرین کام مقدم با شماره مستند مالکیت ۲۶۱ تاریخ ۱۳۷۰/۰۱/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۰۷۹۶۴ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۶۲۰۰ ثبت گردیده است. آقای شکور محمدنژاد طبق وکالتنامه ۲۳۲۰۲ مورخه ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ دفتر ۱۴۶۷ از طرف احدی از مالکین مسعود شهلاوی درخواست افراز سهمی موکل خود را نموده است. اینک با بررسی به عمل آمده توسط اینجانبان حسن زاده و محمدی‌ها نماینده و نقشه‌بردار ثبت خاوران تهران به علت عدم قابلیت افراز ملک مزبور با توجه به گزارش کارشناسی شهرداری منطقه ۱۵ تهران برابر نامه شماره ۱۲۲۴۷/۵۱۵ مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ اجرای مقررات ماده ۱۰۱ قانون شهرداری به علت قلت مساحت ملک مرقوم را غیرقابل افراز تشخیص داده است لذا بدین وسیله مراتب عدم قابلیت افراز ملک موصوف به موجب ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به طرفین دعوی ابلاغ می‌گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ۱۰ روز پس از رویت اعتراض خود را به مرجع قضایی تسلیم نمایند. نماینده ثبت: نقشه بردار
ثبت: متقاضی: تصمیم واحد ثبتی: با عنایت به نظریه کارشناسان و گواهی شهرداری مبنی بر احراز عدم قابلیت افراز ملک مورد تقاضا، مراتب در اجرای مقررات ماده ۲ قانون افراز و مادتین ۵ و ۶ آیین‌نامه به مالکین ابلاغ تا در صورت اعتراض طبق ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به مرجع قضایی مراجعه نمایند.

هدایی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران

آگهی ابلاغ رای عدم افراز پلاک ثبتی ۱۷۴۳/۴۶۷۸ بخش ۷ تهران اخطار وفق ماده ۱۷ آیین‌نامه قانون اجرا

منوچهر- محمود- مجید شهرت همگکی شهلاوی حمیدرضا- مسعود- مریم شهرت همگی شهرام شهلاوی و بتول- فاطمه شهرت هر دو پاکباز با توجه به اینکه بعضی از مالکین مشاعی پلاک ثبتی شماره ۱۷۴۳/۴۶۷۸ بخش ۷ تهران «مجهول‌المکان» هستند. درخصوص درخواست افراز پلاک ثبتی ۱۷۴۳/۴۶۷۸ خواهان: مسعود شهلاوی خواندگان: منوچهر- محمود- مجید شهرت همگی شهلاوی حمیدرضا- مسعود- مریم شهرت همگی شهرام شهلاوی و بتول- فاطمه شهرت هر دو پاکباز براساس گزارش ظهر شماره وارده ۵۴۰۰۵۳۶۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ نماینده و نقشه‌بردار این اداره نسبت به درخواست افراز پلاک ثبتی شماره ۱۷۴۳/۴۶۷۸ واقع در بخش ۷ تهران تقاضای وارده شماره ۵۴۰۰۵۳۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می‌گیرد و مورد تقاضا با توجه به نامه شماره ۱۲۲۴۷/۵۱۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ شهرداری منطقه ۱۵ تهران غیرقابل افراز تشخیص داده شده و مقرر است این نظریه وفق مقررات به علت مجهول‌المکان بودن مالکین مشاعی در یک نوبت منتشر گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه نمایند.

م الف: ۱۱۳۵۶

محسن هدایی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران

گرامافون

یک روایت دقیق و بی‌نظیر از تصنیف‌های عارف

عطا نویدی
پژوهشگر موسیقی ایرانی

ابوالقاسم عارف قزوینی، یکی از تأثیرگذاران موسیقی در قرن گذشته بود. نقش او در تصنیف‌سازی در تاریخ موسیقی ایران بر کسی پوشیده نیست. به‌تعبیر روح‌الله خالقی؛ «او اولین تصنیف‌سـازی اسـت که مضامین اجتماعی، افکار سیاسی و انتقاد از اوضاع زمان خود را در لباس شعر و آهنگ مجسم کرده است.»

عـارف قزوینی از معدود هنرمندان شـاخص زمان خود بود که هیچ‌گاه به ضبط صفحه تن نداد و تاکنون هیـچ صدایـی از او در صفحات قدیمی یافت نشـده، گرچـه هنوز پژوهشـگران صفحات قدیمـی احتمال می‌دهنـد صفحه‌هایـی معـدود از عـارف در دسـت آرشیوداران یا در آرشیو کشورهای اروپایی موجود باشد و روزی شنیده شود.

تصنیف‌های عارف در زمانه خود در اوج محبوبیت و شهرت بودند و خوانندگان بسیاری در زمانه او آن‌ها را چه در کنسرت‌های رسمی، چه در محافل خوانده‌اند و نیز اقدام به ضبط صفحه کرده‌اند. در دسـترس نبودن منبع اصلی نوشـتاری یـا صوتی، این تصانیـف را در اجراهای متعدد دسـتخوش تغییرات ناگزیر کرده بود. چنانچه برخی از این تغییرات به سمع و نظر خود عارف نیز رسـیده بود. ازاین‌رو گـردآوری تصنیف‌های عارف که نزدیک‌ترین روایت ممکن را به اصل آن داشته باشد کاری دشوار است.

دربـاره بندهای تصنیف‌های عـارف باید گفت که بندهـای مختلف بـا ملودی‌های مشـابه ولی اشـعار متفاوت است، ولی در بسیاری از روایات -که در خاطره شنیداری مخاطبان جدی موسیقی ایرانی وجود دارد- اغلب یکی، دو بند اولیه ارائه گشـته و دیگر بندها طی مرور زمان حذف شده است.

مجموعه آلبـوم «تصنیف‌های عـارف قزوینی» توسـط فرید خردمند، نوازنده و پژوهشگر موسیقی ایرانی پـس از تحقیق و تفحصی طولانی سـاخته، پرداختـه و گردآوری شـده اسـت. ویژگی بـارز این مجموعه آن است که تقریباً تمام تصنیف‌های عارف بـا تمام بندهـای تصنیف‌ها را در خود جـای داده و در نقش یک منبع پژوهشـی نیز ظاهر شـده است. انتخاب اشـعار این مجموعه براسـاس نزدیک‌ترین روایت به زمان حیات عارف است.

سرپرسـتی اجـرای ایـن آلبـوم را امیر شـریفی و خوانندگـی آن را مهـدی امامی برعهـده دارد. هدف دسـت‌اندرکاران این آلبوم یک اجرای صرفاً پژوهشی، آموزشی یا آرشیوی نبوده و شنونده ذوق و سلیقه مجریان اثر را با تکیه به سنت تصنیف‌خوانی درک می‌کند و درگیر موسیقی و اندیشه عارف قزوینی می‌شود.

در این آلبوم که بر مبنای موسیقی تک‌صدایی اجرا شده، برای هر کدام از تصنیف‌ها مقدمه (اُورتور) ساخته شده، همچنین با توجه به تکراری بودن ملودی، بندهای اصلی و برای جلوگیری از خسـتگی در شنیدن سعی شـده جواب‌های متنوعی برای هر بند سـاخته شود. خواننده نیز در اجرای تصنیف‌ها از تزئینات و تحریرهای متنوعی استفاده کرده و همین ویژگی‌ها در کنار دیگر ویژگی‌هایی که ذکر نشد، این اثر را به یک آلبوم شنیدنی برای مخاطبان تبدیل کرده است.

ویژگی‌هـای متعدد مجموعه آلبـوم «تصنیف‌های عارف قزوینی» آن را به یکی از پربارترین و شـریف‌ترین آثار منتشرشده موسیقی ایرانی در دهه گذشته تبدیل کرده و بی‌شـک اثـری شـاخص در کارنامـه تک‌تک پدیدآورندگان و ناشر آن است.
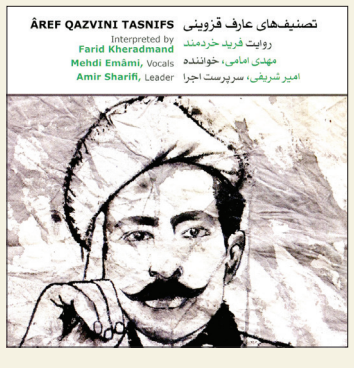
در کنار لوح فشـرده (سـی‌دی) این مجموعه، یک کتابچه نیـز در اختیار مخاطب قرار گرفته اسـت و در آن نگاهـی گذرا اما دقیق به عـارف و عصر او انداخته، همچنین درباره هر تصنیف و شرح کوتاه ساخته‌شدنش توضیحاتی آورده شـده اسـت. آلبـوم «تصنیف‌های عارف قزوینی» مشـتمل بر ۲۹ تصنیف از این شـاعر، موسـیقیدان و تصنیف‌سـاز شـهید ایرانی است طی چهارسال ضبط و در سال ۱۳۹۶ توسط نشر موسیقی ماهور به بازار عرضه شده است.